

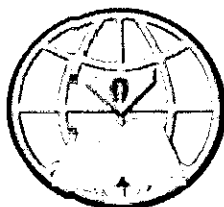
الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (اصول و عناصر)

دکتر یکتا حبیبی

دانشگاه عالی دفاع ملی

تهران، ۱۳۹۲

سرشناسه: حییبی، نیک بخش
عنوان و پدیدآورنده: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (اصول و عناصر) / نیک بخش حییبی / تهران: دانشگاه عالی
دفاع ملی، انتشارات دعا ۱۳۹۲
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۵۶-۰۲-۲
مشخصات ظاهری: ۵۳۶ صفحه
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا



انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (اصول و عناصر)

تألیف: نیک بخش حییبی

ویراستاری: امیرحسین معاونت پژوهش و تولید علم

طرح جلد: مهدی حییبی عادل

صفحه آرا: مراد گوهری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۵۶-۰۲-۲

بها: ۲۲۰۰۰۰ ریال

نوبت و سال چاپ: چاپ اول پاییز ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

ناشر: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی (دعا)

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی (دعا)

نشانی انتشارات: تهران، ضلع شمالی بزرگراه شهید بابایی، بعد از اتوبان هنگام،

دانشگاه عالی دفاع ملی، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، تلفن ۲۲۹۷۰۳۴۳

نشانی اینترنتی: www.sn.du.ac.ir

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۱۳
فصل اول: مفاهیم و نظریه‌ها	۱۹
مفهوم پیشرفتی	۲۱
الف: پیشرفت اقتصاد محور	۲۵
ب: پیشرفت قطبی	۲۶
پ: نظریه پیشرفت مرکب پیرامون	۲۶
ت: نظریه پیشرفت شتابی	۲۶
ث: نظریه آمایش سرزمین توسعه	۲۷
دغدغه شناسی پیشرفت ملی	۲۹
ضرورت بومی سازی الگوی پیشرفت ملی	۳۴
منظور از اسلامی بودن الگوی پیشرفت	۳۷
منظور از ایرانی بودن الگوی پیشرفت	۳۸
ایده‌ها، نظریه‌ها و رویکردهای توسعه ملی	۳۹
الف: نظریه توسعه سیستمی	۴۵
ب: داده‌ها	۴۸
پ: ساخت‌ها یا گروه‌ها (ساختارها یا گروه بندی‌های اجتماعی)	۴۸
ت- عملکردهای اجتماعی (در خرده نظام‌ها)	۴۹
ث- باز داده‌ها	۴۹
نظریه توسعه ایرانی اسلامی	۵۷
مدل سازی پیشرفت اسلامی ایرانی (اصول و عناصر)	۷۱
سیر تاریخی تحول تئوری‌های توسعه	۷۶
الف: تئوری مدرنیته یا نوگرایی یا مکتب نوسازی	۷۹
ب: نظریه وابستگی	۸۲
پ: نظریه ساختار گرایی	۸۶

ت: نظریه نیازهای اساسی.....	۸۷
ث: نظریه نظام جهانی.....	۹۱
شناخت نارسایی های مدل های توسعه غربی.....	۹۶
نقد مدل های توسعه غربی.....	۱۲۳
فصل دوم: شناخت عوامل اثرگذار بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.....	۱۳۵
بخش اول: تحول روند و مبانی پیشرفت و توسعه ملی.....	۱۳۷
ضرورت توجه به تحول مفهومی توسعه.....	۱۳۷
توسعه نیافتگی (چالش ها و راهکارهای رایج).....	۱۴۹
بخش دوم: مبانی ارزش های تمدن اسلامی ایرانی.....	۱۵۵
نقش ارزش ها در پیشرفت ملی.....	۱۵۵
مبانی فلسفی اندیشه نامستی اسلامی.....	۱۵۷
مبانی کلی ایدئولوژی اسلام.....	۱۶۲
مبانی جامعه شناختی اسلامی.....	۱۶۹
حاکمیت سیاسی و ارزش های اسلامی.....	۱۷۶
تمدن ایرانی و ارزش های دینی.....	۱۸۰
چیستی عدالت.....	۱۸۵
منابع کشف عدالت.....	۱۹۵
تفاوت عدالت و قسط.....	۱۹۷
عدالت فردی و عدالت اجتماعی.....	۲۰۳
عدالت در اسلام.....	۲۰۶
عدالت نظام مند.....	۲۱۱
عدالت نظام مند در مدیریت راهبردی نظام ملی.....	۲۱۳
ضرورت فرهنگ سازی عدالت.....	۲۱۵
رشد عقلانیت عامل عدالت گرایی.....	۲۱۶
چرایی عدالت محوری در فرآیند ظهور موعود.....	۲۱۹
شناخت حق در عدالت.....	۲۲۰

۲۲۲	 مفهوم شناسی حق در موضوع عدالت
۲۲۵	 عدالت و تعارض آن با توسعه غربی
۲۲۹	 چیستی شناسی معنویت
۲۳۲	 معنویت و انواع آن
۲۳۴	 معنویت گرایی در تفکر راهبردی
۲۳۹	 معنویت گرای دینی
۲۴۳	 حریت برای فطری
۲۵۱	 بخش سوم: محده دیت‌ها و قابلیت‌های نظام ملی
۲۵۲	 نظام ملی و ظرفیت استمی یا نظام‌مند
۲۵۷	 ضرورت ارتقاء قابلیت‌های ظرفیت‌های نظام ملی
۲۶۴	 عوامل قابلیت سازش ملی
۲۷۱	 تکامل تدریجی قابلیت‌های ملی در الگوی اسلامی - ایرانی
۲۷۴	 قابلیت‌ها و توانمندی‌های فرهنگی نظام ملی
۲۸۶	 ایران و ظرفیت‌های تمدن سازی جهانی
۲۹۳	 قابلیت‌ها و ظرفیت‌های سرزمینی ایران
۲۹۷	 مولفه های اثربخش قدرت ملی در پیشرفت جمهوری اسلامی ایران
۲۹۹	 تنگناها و محدودیت‌های توسعه و پیشرفت کشور
۳۰۵	 آسیب شناسی و محدودیت‌های فرهنگی نظام ملی
۳۱۱	 نقد فرآیند توسعه در ایران
۳۱۹	 مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی ایران
۳۲۴	 بخش چهارم: نهادهای اثرگذار و پیشرفت ملی
۳۲۴	 نهادهای اثرگذار
۳۲۵	 نهاد دین
۳۳۲	 نهاد دولت و حکمرانی
۳۴۴	 آسیب شناسی دولت در روند پیشرفت ملی
۳۵۶	 نهاد آموزش

۳۶۴	 نهاد خانواده
۳۶۷	 بخش پنجم: پیش شرط‌ها و پیشران‌ها
۳۶۷	 پیش شرط‌های پیشرفت ملی
۳۷۰	 سرمایه اجتماعی
۳۸۸	 سرمایه مذهبی
۳۹۱	 تمایز شناسی سرمایه اجتماعی و سرمایه مذهبی
۴۲۰	 عناصر پیشران پیشرفت ملی
۴۲۵	 بخش ششم: ابعاد پیشرفت ملی
۴۲۵	 پیشرفت فردی ملی
۴۳۰	 توسعه علم، بازار، شرف درون‌زا
۴۳۳	 امنیت و صلح و آرامش توسعه
۴۴۲	 توسعه اقتصادی
۴۴۸	 پیشرفت ملی و اقتصاد اسلامی
۴۵۱	 توسعه اجتماعی
۴۵۶	 توسعه سیاسی
۴۶۱	 توسعه فرهنگی
۴۶۵	 نیات راهبردی رهبری نظام
۴۷۳	 قرآن و مقوله‌های اجتماعی پیشرفت
۴۹۰	 واکاوی نظریات و اندیشه‌ها
۵۰۱	 مفاهیم و اصطلاحات
۵۱۵	 منبع و مأخذ

ن و القلم و مایسترون ... حمد و سپاس بیکران خداوند بزرگ و منان را سزااست که به انسان آموخت آن چه را که نمی‌دانست ... علم الانسان ما لا یعلم ... درود و سلام و صلوات بر خاتم انبیا (ص) و اهل بیت مکرم او و همه انبیای الهی، همه شهدا، صدیقین، صلحا و علمای ربانی که بر طریقت راستی و درستی برای هدایت و کمال آدمی، همه زندگی خویش را بر محور توحید، وقف انسان و جامعه بشری نمودند.

اما بعد: ببینیم یک این اثر نمی‌توانست به انتها برسد، اگر راهنمایی مشفقانه و مساعدت اساتید معزز و گرام: جناب آقای دکتر محمد خوش چهره (دانشگاه تهران)، دکتر مرتضی عزتی (دانشگاه تربیت مدرس)، حجت الاسلام دکتر حسین علی سعدی (دانشگاه امام صادق^(ع))، دکتر امیر علی سیف الدین (دانشگاه تهران)، (دکتر مبینی دهکردی) (دانشگاه عالی دفاع ملی)، دکتر سیف (دانشگاه امام حسین^(ع))، دکتر غنچه (دانشگاه شریف) و دکتر پور عزت (دانشگاه تهران)، دکتر عادل پیغامی (دانشگاه امام صادق^(ع)) و همچنین همکاری و همیاری مسئولین محترم دانشگاه عالی دفاع ملی از ریاست محترم (دکتر ابراهیم حسن شمس) تا دانشکده (دکتر سلمانی) و دیگر عزیزان در معاونت‌های آموزش (دکتر شیرازی و دکتر حسن الیاسی) و پژوهش و تولید علم (دکتر عصاریان) و مدیریت پژوهش و آموزش دانشکده (دکتر فرهادی و دکتر ارکانی و آقای عزیزاده و آقای شکری) نبود. ضمن آرزوی عالی‌ترین توفیق‌ها و شادکامی و رحمت و برکات خداوند عظیم را برای این عزیزان و اساتید و الامقام خواستارم.

آنچه در این دو سال تلاش شبانه روزی برای اتمام این اثر، به نفع داد تا کار را بدین جا برسانم، پس از یاری خداوند و راهنمایی اساتید و اندیشمندان این حوزه، صمیمی و همگامی همسر مهربان و صبورم طی این روزها و ماه‌های تحقیق و پژوهش بود، رستگاری و توفیق الهی در سرای دیگر، سلامتی و بهروزی روزافزون را برای همه این بزرگان و عزیزان از خداوند بزرگوار آرزو مندم.

نیک بخش حبیبی

خرداد ماه ۱۳۹۲

سخن ناشر

دانشگاه عالی دفاع ملی به منزله سازوکاری علمی و سازمانی در توسعه ادبیات راهبردی و آموزش مدیران عالی کشور در حوزه مسایل راهبردی، دفاعی، امنیتی، با بهره گیری از بنیان ها و نظریه های بومی، درصدد تدوین راهبردهای تعالی بخش به منظور تحقق اهداف منبعث از رسالت و مأموریت علمی خویش است.

این دانشگاه از مراکز علمی کلیدی و حساس در عرصه مسایل راهبردی است که از بدو تشکیل و راه اندازی آن پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در صحنه ی آموزش مسایل دفاعی - امنیتی به منظور کالاسازی متناسب با اهداف مقدس جمهوری اسلامی در سطوح مدیران عالی کشوری و لشکری پیشقدم بوده و در جهت خطیر خود درجهت آموزش فرماندهان و مدیران عالی رتبه کشور را سرلوحه تمامی برنامه های خود قرار داده است. این امر هنگامی مهم تر است که نگاهی پژوهشی و عمیق به پیرامون کشور، منطقه و جهان داشته باشد چراکه با ظهور تهدیدات نوین در عرصه ی بین الملل، لزوم داشتن چنین کانونی برای به ثمر رسیدن مدیران عالی و فرماندهان نظامی کاملاً ملموس خواهد بود. از سوی دیگر ایده ایجاد تمدنی بزرگ موجب می شود تا این تلاش و تعهد موجب توسعه همکاری ها و ترغیب سازمان هایی شود که برای پیروی از این هفت ستارگی و ایجاد تحول در برنامه ها و فعالیتها تولید و توزیع ادبیات راهبردی را یاری کنند.

با نگرش به این رویکرد و اهمیت موضوع، لزوم تولید و توزیع ادبیات راهبردی در دانشگاه که حاصل تلاش اساتید و فرهیختگان متخصص در علوم راهبردی و دانش آموختگانی است که با نهایت تلاش و کوشش مدت زمان مفیدی از دوران زندگی خود را صرف فراگیری مفاهیم و اصول علوم راهبردی و تدوین رساله ی دکتری در دانشگاه طی نموده اند، نمایان می شود. در این راستا انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی در سه حوزه ی مدیریت راهبردی، دفاع ملی و امنیتی با اشراف به برنامه ها و در چارچوب اهداف و مفاهیم عالیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تدابیر برخط انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی)، پس از انتقال مفاهیم و آموزه های خود به سطوح مختلف مدیران و ارکان جامعه داشته و در این بستر دست های پرتوانی که نیل به این اهداف را تسهیل می کنند به گرمی می فشارد.

و ما توفیقنا الا و علیک توکلنا و الیه ننیب

انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی که انقلابی خارج از حوزه تمدن غرب بود از یک سو به معنی شکست آن تجربه و از سوی دیگر درصد خارج کردن جامعه از ذیل تأثیرات سوء تمدن غرب است. جامعه ایران از سال‌ها قبل وارد فرایند پیشرفت و توسعه شده است و امروزه به تعبیر طباطبایی (۱۳۷۲) در صد تغییر الگوی آن از مدل تقلیدی به مدل تاسیسی خود می‌باشد. امری که ضرورت طرح دوباره آن به صورت جدی از سوی رهبر انقلاب اسلامی (دام عزه) به عنوان یکی از مطالبات کلیدی و اساسی انقلاب اسلامی، ادیان پیشرفت و عدالت در ادامه روند دهه چهارم انقلاب مطرح است.

دغدغه‌های پیشرفت به صورتی جدی در کشور ما طی چند مرحله از جنگ ایران و روس آغاز شد. از طرفی انقلاب اسلامی ایران برآمده از کوشش تاریخی نسل‌هایی است که از سویی دغدغه توسعه‌نیافتگی کشور را داشتند. از سوی دیگر راه‌گذار از این وضعیت نابسامان را در بی‌توجهی به هویت خودی نمی‌دانستند. در تعلق آن به هویت دینی و ملی ما آن مبنای اساسی‌ای بود که می‌توانست به عنوان زمینه حرکتی ما برای آینده، سرچشمه‌ای تعلق دوگانه به پیشرفت و هویت خودی و اسلامی، زمینه‌ساز تعبیری از توسعه شد که می‌توان آن را الگوی بوم اسلامی ایرانی پیشرفت نامید.

انقلاب اسلامی مدعی تحقق نوعی از پیشرفت است که با هدف پی ریزی تمدن عظیم اسلامی در تاریخ حیات اجتماعی انسان بر اساس مبانی عقلانیت برپا می‌باشد. بی‌شک مؤلفه بارز این عقلانیت، اصول پایه‌ای مبتنی بر توحیدگرایی و عدالت برای شکل‌گیری حاکمیت و طبع انسان می‌باشد. با این فرض که تحقق آن را در همراهی و هماهنگی کامل با فرهنگ، عادات، تجربیات و مقتضیات ملی ایرانی، یک فرض جداناپذیر، و در قالب الگوی اسلامی - ایرانی بیان می‌شود.

از طرفی هر تمدنی زمانی می‌تواند به وجود بیاید و ماندگار شود که از یک چارچوب معرفتی برخوردار باشد. این چارچوب معرفتی یک چارچوب مفهومی غالب را شکل داده که آن را چارچوب کنشی برای حوزه‌های سیاست‌گذاری به وجود می‌آید. فهم این نظام معرفتی، کلید شکوفایی این الگو به شمار می‌رود.

مطابق قانون اساسی، هدایت و جهت‌گیری کلان جامعه اسلامی ایران از مهم‌ترین مسئولیت‌های رهبری است که در همین راستا از همان ابتدا، معظم له تأکیدات خود را در خصوص پیشرفت و عدالت فراگیر و همه‌جانبه ذیل الگوی اسلامی - ایرانی بیان می‌فرمودند، که بعدها در سال ۱۳۸۵ به عنوان مبانی نظری و پیش‌نیازهای ورود به دهه چهارم انقلاب اسلامی معرفی شد. لذا ضرورت دارد که

مدیریت تحولات جامعه توسط نخبگان در کنار شناخت اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی این الگو، هدایت تغییرات اجتماعی به سوی پیشرفت و عدالت مطلوب باشد.

امروزه محققان در پی آن هستند که تا علاوه بر اصول و نتایج مدنیت غربی یعنی روح خطرپذیری، ابتکار، اقدام و انضباط، به تعبیر رهبر معظم انقلاب (دردیداراستادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۷) به مولفه‌های دیگری از قبیل عدالت اجتماعی، معنویت دینی و همگرایی انسانی نیز دست یابند.

پیشرفت در یک تعریف کلی عبارت است از فرآیند حرکت از وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب (میرمعزی، ۱۳۸۹). این وضعیت مطلوب، فرآیندی همه جانبه و فراگیر در همه ابعاد اجتماعی است که منتهی به نیل به جایست جامعه به سمت از میان برداشتن عواملی نظیر فقرمادی و معنوی، آسیب پذیریه اجتماعی و بی‌عدالتی و عدم آزادی عدم امنیت و رفاه، نبود استقلال و عزت ملی و..... حرکت کند. در این فرآیند، نه تنها اوقات مقام معظم رهبری در جمع نخبگان، ۱۳۸۹ در این تعریف داشتن "حرکت فراگیر مادی و معنوی" مفهوم "پیشرفت" را از معانی واژه‌های همسان بازشناخته می‌شود.

در این اثر، واژه پیشرفت مبتنی بر رشد و تعالی چند بعدی و حجمی نه سطحی و تک ساحتی، فرض شده است، که هم رشد متوازن و هم استوار و تحول، درونزایی و معنویت گرایی را به توسعه تعمیم داده است. در همین راستا مفهوم "پیشرفت اجتماعی" دلالت بر رشد و توسعه کیفی زندگی در همه ابعاد مادی و معنوی آن دارد.

در این فرایند، تأمین خواسته‌های مادی و معنوی (بر مبنای انسان، رشد و تعالی فرد و جامعه در کنار هم و توأمان مطرح است. پیشرفت در این تلقی متکی بر ترکیب منطقی عقل و وحی، فرآیندی جهت دار است که هدف نهایی آن رساندن انسان به کمال است. پیوستن الهی گونه‌ای شدن او در زمین یا همان "قرب الی الله" می‌باشد، که با شکوفا شدن کلیه استعدادهای درونی انسان، در ذیل واژه حیات طیبه^۱ تحقق می‌یابد.

با توجه به تعریف کلی پیشرفت، انواع مختلفی از توسعه^۲ و از آن جمله توسعه اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای مهم برای تحقق آن، نیز به وضعیتی اطلاق می‌گردد، که در آن جامعه به گونه‌ای

۱- من عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً (نحل ۹۷).... هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را حیات طیبه می‌بخشیم

۲- توسعه معنی واژه Expansion است که در ایران به اشتباه آن را برای واژه Development (رشد، گسترش تدریجی

هدایت و برنامه ریزی می‌شود که با تسلط بر تکنولوژی، دانش مدرن و استفاده بهینه از منابع مادی در دسترس، توان تامین نیازهای اساسی و رفاه عمومی جامعه را داشته و زمینه مناسب را برای تحقق عدالت اجتماعی و نیل به کمالات انسانی در جامعه مهیا می‌نماید.

مرور مطالعات و نظریه‌ها در بستر تحولات تاریخی ایران نشان می‌دهد که هر الگو و یا حتی هر تعریفی را از پیشرفت در نظر آوریم یا انتخاب کنیم، دارای دو جزء اساسی و جدایی ناپذیر است. این دو جزء یکی اصول، پایه‌ای متبعت از جهان بینی توحیدی (اسلامی- شیعی) و دیگری عناصر کلیدی تمدن و فرهنگ اسلامی ایرانی (ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دینی و بومی) مرتبط با الگوی پیشرفت ملی هستند. در این اثر تلاش شده تا با مطالعه و مذاقه در اسناد در دسترس و استفاده از نظریات اندیشمندان حوزه توسعه و پیشرفت اصول و عناصر این الگو کشف و معرفی گردند.

توین بی (۱۹۷۲) تمدن را حاصل تلاش برای آفریدن جامعه‌ای می‌داند که کل بشریت بتواند با هم‌نوایی در کنار یکدیگر و به مثابه اعضای از یک خانواده کامل و جامعه در درون آن زندگی کنند. تمدن در شکل اسلامی آن با الهام از آن تعالی دهنده جهان بینی اسلامی باشد و به لحاظ روشی و محتوایی از قرآن و سنت و عقاید دینی اخذ شده باشد. امروز ضرورت طرح تمدن اسلامی ایرانی، به دلیل تقارب دینی بودن و انقلاب، مردم و حاکمیت به صورت جدایی ناپذیر متاثر از اصول، عناصر، مفاهیم و اندیشه‌های دینی و دین خواهد بود، هر گونه اقدامی در جهت نادیده گرفتن این تاثیر یعنی شکل دادن نظری الگویی خارج از دین، پذیرش و مطلوبیت آن خواهد بود که به محتوای علمی و کارآمدی آن آسیب جدی خواهد زد.

جمهوری اسلامی ایران بعد از تثبیت ساختارهای نظام سازی خود در سطح ملی و بین المللی، در پی آن است تا مدل‌های کارآمد و عملیاتی خود را بر اساس مبانی دینی، اندیشه‌های اسلامی و تجربیات سرزمینی و تاریخی ایرانی در همه سطوح و مؤلفه‌های قدرت ملی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیت و علمی و فناوری و....) با ایجاد یک همگرایی در عرصه ملی و جمعیتی مشارکت همه نخبگان (علمی و اجرایی) با غالب کردن گفتمان الگوی اسلامی- ایرانی به مرحله اجرا در آورد.

، نمو و تطور یافتن، آشکار شدن و از پوسته و غلاف در آمدن،) در نظر گرفته‌اند. نگارنده نیز در این اثر به این اشتباه رایج و متداول به دلیل عمومیت داشتن جهت تقریب ذهن خوانندگان واژه توسعه را با همین معنی اخیر بکار برده است..

انقلاب ما برآمده از کوشش تاریخی نسل‌هایی است که از سویی دغدغه توسعه نیافتگی کشور را داشتند و از سوی دیگر راه گذار از این وضعیت نابسامان را در بی‌توجهی به هویت خودی نمی‌دانستند. در تلقی آن‌ها هویت دینی و ملی ما آن مبنای اساسی‌ای بود که می‌توانست به عنوان زمینه حرکتی ما برای آینده بهتر باشد. این تعلق دوگانه به پیشرفت و هویت خودی، زمینه‌ساز تعبیری از توسعه شد که می‌توان آنرا «الگوی بومی اسلامی ایرانی پیشرفت» نامید.

الگوی اسلامی ایرانی برای مدلسازی پیشرفت کشور، نیازمند یک ساختار و چارچوب معرفتی است. فهمیدن نظام معرفتی به شدت نیازمند اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی این الگو می‌باشد.

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کشور، بر مبنای توحیدی عقلانیت نبوی استوار است و بی‌شک مؤلفه بارز این مدل، اصول پایه‌ای مبتنی بر توحیدگرایی و عدالت برای شکل‌گیری حیات پاک و طیبه انسان می‌باشد. اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی منبعث از جهان بینی توحیدی (اسلامی - شیعی) و تمدن و فرهنگ ایرانی (خلفه‌ها و ولایت‌های ملی و بومی) است. در این پژوهش با بررسی اسناد در دسترس بالادستی و همچنین به‌کارگیری الگوی اندیشمندان علوم انسانی و اجتماعی در یک تحلیل مبتنی بر روش کیفی نظریه پردازی داده بنیاد، اصول و عناصر این الگو کشف و ارایه خواهد شد.

نقطه فتح و کلید پیشرفت و تعالی علامه با سختی‌ها و مشکلات فرا روی، گسترش تلاش برای تحقق الگوهای پیشرفت بومی و ملی است. در این میان ردیابی و شناسایی اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی پیشرفت ملی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهفته قابلیت‌های پنهان و بالقوه ملی برای تحقق اهداف آن از ضرورت‌های اساسی به شمار می‌آید.

درک اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی پیشرفت هر کشور، در این جمله جمهوری اسلامی ایران به شدت وابسته به احصای قابلیت‌ها و محدودیت‌های نظام ملی برای شناسایی تنگناها و همچنین ظرفیت‌های ملی برای فهم نارسایی‌ها و سطح اولیه یا نقطه آغازین پیشرفت و توسعه کشور و همچنین عوامل و نهادهای اثرگذار که ما را در شناخت حوزه‌های مورد تاکید در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ج.ا.ا از قبیل رفاه، عدالت، معنویت، امنیت و و همچنین نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است که این همه خود را در اسناد راهبردی هر نظام ملی یا سیاسی اجتماعی در مبنای جهان بینی و هستی‌شناسی (در جامعه اسلامی قرآن و سنت)، قانون اساسی، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام نشان می‌دهد.

الگوی که در بطن و متن انقلاب اسلامی نهفته بود. اگر از این چشم‌انداز به انقلاب اسلامی و رسالت تاریخی آن نگاه کنیم، می‌بینیم که در آن یک ارتباط ذاتی میان توسعه و پیشرفت با مولفه‌های از قبیل عدالت و معنویت برقرار شده است که «پیشرفت ملی و بومی» و تلاش در راستای تحقق آن، در قانون انقلاب اسلامی قرار داشته است.

اثر حاضر به دنبال، دستیابی به اصول پایه‌ای و عناصر کلیدی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت کشور می‌باشد. مدل‌های آن در جستجوی تفکیک تعدادی از با اهمیت‌ترین عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده پیشرفت ملی بر اساس مبانی نظری و فلسفی اسلام و همین‌طور مبانی انسان‌شناختی اسلام است که به وسیله آن، ارتکار ایرانی و با توجه به مقتضیات بومی و قابلیت‌های ملی منعکس شده در متن قانون اساسی چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام، شکل می‌گیرد.

صرف نظر از تجربیات دیگر و به غایت آموزنده الگوهای توسعه‌ای موجود غربی، در پی نامناسب بودن این الگوها، که نتایج توسعه ناهمگون، ناموزون و وابسته به غیر نداشته است، ناکارآمدی آن‌ها امروزه بیش از پیش بر زبان‌ها آشکار شده است. ملت ایران اکنون بیش از هر وقت دیگری خود را مستحق پیشرفت و دست‌یابی به قله‌های رفاه و شکوفایی علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی منطبق و سازگار با اصول و سیاست‌های اسلامی ایرانی خود می‌داند. کشوری که با برخورداری از منابع سرشار خدادادی و قرار گرفتن در منطقه راهبردی، دارای بسیاری از امکانات بالقوه برای توسعه‌ای همه جانبه و پایدار است. بهره‌مندی از این امکانات نیازمند فهم درست اصول و عناصر کلیدی الگو بومی خود و همچنین نگاهی واقع‌گرایانه به مهندسی، کارشناسانه و علمی به سرزمینی است که از دیر زمانی مهد تمدن و فرهنگ بوده است.

نتایج حاصل از تحقیقات انجام گرفته در کشور نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در ایران از آغاز پیدایش دولت مدرن تاکنون به پیروی از الگوهای نظری و رویکرد «تشریک اقتصاد سرمایه‌داری جهانی و پیامدهای آن صورت گرفته است. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ایرانی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی به غیر از دهه اول انقلاب (۱۳۶۷-۱۳۵۷) همراه با تغییر پارادایم‌ها و چارچوب‌های نظری مدل توسعه غربی موضوع، مساله و جهت‌گیری‌های اصلی سیاست‌ها و برنامه‌های ایران را تعریف و تدوین کرده‌اند و اصول و مبانی ارزشی دین اسلام، اندیشه، تجربیات و مقتضیات بومی و ایرانی نقش محسوس و مشهودی در تعریف مساله و موضوع یابی پدیده توسعه در جامعه نداشته است.

تک بعدی دیدن مقوله توسعه از سوی نظریه پردازان معاصر غربی از یک طرف، و نبود نظریه مشخصی در باب پیشرفت ملی در ترکیب با مولفه های دینی و معنوی، سبب بروز ابهاماتی در فهم اصول پایه ای و عناصر کلیدی آن شده است. پیچیدگی، گستردگی و چند بعدی بودن مفهوم پیشرفت ملی با الگوی اسلامی - ایرانی، نشان می دهد، که حصول به اهداف آن مسیر دشوار و صعب العبوری است که به شدت نیازمند، شناخت دقیق، علمی و واقع بینانه محیط ملی و تعیین مسیر پیشرفت بر اساس الگوی رسمی - تطبیق با مقتضیات بومی می باشد.

دکتر نیک بخش حبیبی

دانش آموخته دکترای مدیریت راهبردی